شهرآرا
روزنو
22
09
19
اشنبه
۳۱ شهریور ۱۳۹۸
۲۲ محرم ۱۴۴۱
شماره ۲۹۲۸

به وقت شله

مهدی محمدی

موضوع انشا: درباره شفافیت چه می دانید؟

شفافیت خیلی چیز خوبی است. من خودم هر وقت شیشه های عینکم کثیف می شود و همه چیز را غیرشفاف می بینم، سرم درد می گیرد و با خودم فکر می کنم که در چه دنیای کثیفی زندگی می کنم اما وقتی شیشه های عینکم تمیز و شفاف می شود، همه چیز زیباتر به نظر می رسد.

امروز وقتی پدرم فهمید انشای من درباره شفافیت است، اصلا نگفت: «این معلم شما هم مخ بچه ها را کار گرفته است. آخر این چه موضوع انشایی است که به بچه کلاس چهارم داده اند؟»، بلکه بسیار از آن استقبال کرد و گفت: «به راستی که چه معلم خوب و نمونه ای دارید. آفرین بر او باد!».

برادر بزرگ ترم نیز می گوید شفافیت خیلی خوب است. از او پرسیدم: «اگر شفافیت را دوست داری، پس چرا رفتی و شیشه هر چهار تا در ماشین را دودی کردی؟» او در جواب گفت: «بیشتر وقت ها شیشه های ماشین پایین است و داخل ماشین به صورت کاملا اچ دی و شفاف، رؤیت شدنی است. من شیشه های ماشین را فقط برای برخی اوقات که شفافیت زیاد خوب نیست و برای آدم مشکل درست می کند، دودی کرده ام».

به نظرم حرف برادرم درباره اینکه شفافیت ممکن است مشکل ساز شود، درست است. فکر کنم حتی عادل فردوسی پور را هم به خاطر اینکه کتاب «هنر شفاف اندیشیدن» را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده است، از صداوسیما بیرون کردند.

اصلا اگر آدم خیلی دنبال شفافیت باشد، آخرسر ممکن است به شیشه که نماد شفافیت است، معتاد شود و دیگر نتواند آن را ترک کند.

همین طور که داشتم درباره شفافیت انشا می نوشتم، مادرم گفت: «برو از بیرون، نون و شیر بخر و توی راه به موضوع انشایت فکر کن!»

آن قدر در موضوع انشای خودم غرق شده بودم که حواسم نبود وارد مغازه شده ام. مغازه دار پرسید: «چرا داری بِروبِر من را نگاه می کنی و هیچ سخنی نمی گویی؟» به مغازه دار گفتم: «ببخشید حواسم نبود. داشتم درباره موضوع انشای امروزم یعنی شفاف سازی فکر می کردم. آمده ام یک بطری شیر بخرم.» مغازه دار به من یک بطری شبیه آب معدنی داد.

- ولی من شیر می خوام نه آب معدنی!

- این هم شیر است، نه آب معدنی. ولی چون شرکت لبنیاتی تولیدکننده آن خیلی دنبال شفاف سازی است، شیرها را هم شفاف کرده اند، آن قدر که در حال حاضر شیر از آب هم شفاف تر شده است.

تلویزیون مغازه روشن بود و یک نفر از آن تو می گفت: «کسانی که شفاف سازی می کنند، حتی اگر برایشان هزینه داشته باشد، باید هزینه آن را بدهند.» ولی این بار کارخانه لبنیاتی که شفاف سازی کرده بود، به جای اینکه هزینه آن را بدهد، داشت هزینه آن را می گرفت.

سپس از مغازه به سمت نانوایی رفتم تا از آنجا یک نان سنگک بخرم.

نانوا از من پرسید: «چیه تو فکری؟»

- موضوع انشای من شفافیت است. می خواهم درباره آن انشا بنویسم.

- می دونی به چی می گن شفاف؟

- یعنی چیزی که از این طرفش بشود خیلی راحت آن طرف را دید.

- آفرین! پس من یک نان شفاف به تو می دهم.

بعد یک نان سنگک با سوراخ های بزرگ به من داد و گفت: «ازآنجاکه از این طرف نان، راحت می شود آن طرف را دید، این نان یک نان شفاف محسوب می شود.»

وقتی به خانه رسیدم و خریدهای شفاف خودم را به مادر تقدیم کردم، او هم خریدهای شفافش را نشان بابا داد. متاسفانه بابا چون تحمل این حجم از شفافیت را نداشت، کمربندش را برداشت و باعث شد پوست من کبود شود.

الان هم که انشای من دارد تمام می شود، هنوز یک سوال برای من باقی مانده است که امیدوارم پاسخی برای آن پیدا شود. برای شفاف سازی پوستی که کبود شده است، چه باید کرد؟

با هم بشنویم؛
اسمت که میاد
کی خونده؟
روزبه بمانی
ترانه‌اش از
کیه؟
خودِ روزبه بمانی
موزیکش رو کی
ساخته؟
هومن نامداری
حس وحالش
چیه؟
احساسی،
ترانه غمناک،
دل‌شکسته‌طور و
شکست عشقی

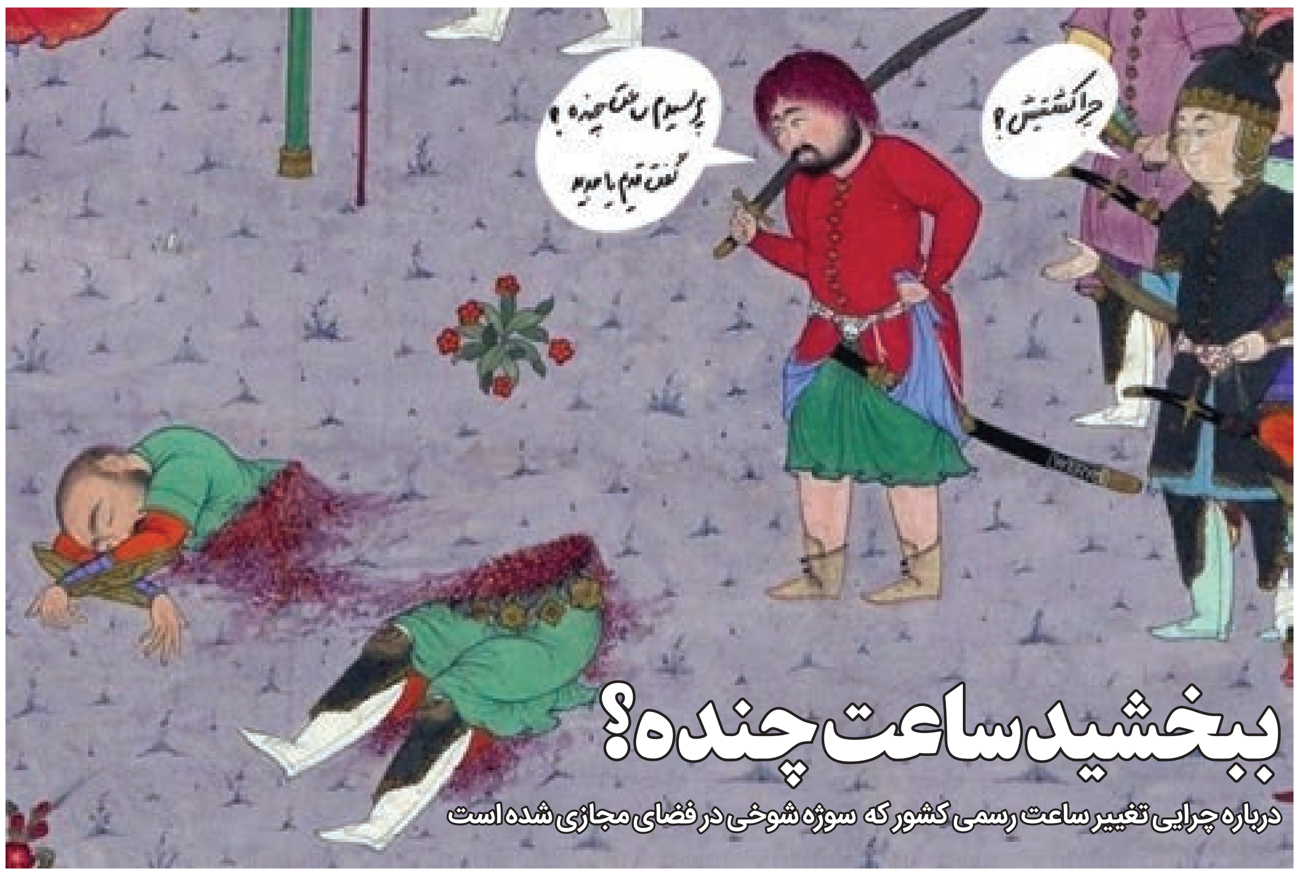
چرا کشتیش؟
پرسیدم ساعت چنده؟ گفت قدیم یا جدید

ببخشید ساعت چنده؟

درباره چرایی تغییر ساعت رسمی کشور که سوژه شوخی در فضای مجازی شده است

ایمان فروزان‌نیا

از دیشب در فضای مجازی شروع شده است؛ لطیفه‌های مربوط به ساعت قدیم و جدید را می‌گوییم. همان‌هایی که مثلا یک نفر ساعت ۱۲ رفت دستشویی و وقتی آمد بیرون، دید ساعت ۱۱ است. همان‌هایی که هر سال اول بهار و پاییز می‌خوانیمشان و بعضی‌هایشان از فرط لوسی، خیلی روی اعصاب هستند. اصلا بخشی از لطیفه‌ها و پست‌های فضای مجازی هم مربوط به همین روی اعصاب بودن تغییر ساعت است: «خودمون کم مصیبت داریم، ساعت‌ها رو هم باید یه ساعت بکشیم عقب. تا یه ماه داستان داریم.» کاربر دیگری نوشته بود: «دیگه نه‌تنها ساعت قدیم، ساعت جدید خز شده، بلکه مسخره کردنش هم خز شده». به‌هرحال چه خوب چه بد، از دیشب، ساعت رسمی کشور یک ساعت به عقب کشیده شد و به رسم هر سال، باید تا چند وقت شاهد لطیفه‌ها و مزه ریختن‌های مربوط به ساعت قدیم و جدید باشیم. حالا که از این اتفاق گریزی نیست، بد ندیدیم درباره علت این تغییر بنویسیم و سر دربیاوریم که آیا در بقیه کشورهای دنیا هم چنین تغییراتی رخ می‌دهد یا خیر.

چرا جلو و عقب می‌کشیم؟

فلسفه اینکه در ابتدای بهار ساعت‌ها را یک ساعت جلو می‌بریم و در ابتدای پاییز دوباره آن را به حال اول برمی‌گردانیم، استفاده بهینه از نور خورشید و کاهش مصرف انرژی است. هرچه یک کشور از خط استوا فاصله بیشتری داشته باشد، با تغییر فصول، اختلاف طول روز و شب در آن محسوس‌تر می‌شود؛ مثلا در ایران خودمان طول روز در تابستان حدود ۱۴ساعت است و در زمستان به کمتر از ۱۰ساعت می‌رسد. حالا نقش تغییر ساعت این وسط چیست؟ اجازه بدهید با یک مثال برایتان توضیح دهیم. زمان غروب خورشید در تابستان‌های مشهد حدود ساعت ۷ شب است؛ یعنی مردم باید از ساعت ۷ به بعد کم‌کم چراغ مغازه‌ها و خانه‌هایشان را روشن کنند ولی وقتی ساعت رسمی را یک ساعت به جلو می‌بریم، غروب خورشید از ساعت ۷ به ۸ می‌رسد؛ یعنی مغازه‌داری که قصد داشته است ساعت ۱۰ شب مغازه‌اش را ببندد و به خانه برود، به‌جای سه ساعت روشن گذاشتن چراغ‌ها، دو ساعت از روشنایی برق استفاده می‌کند. این یعنی کاهش مصرف برق و دیگر انرژی‌ها مثل گاز. شاید بپرسید خب، چرا با شروع پاییز ساعت را به عقب برمی‌گردانیم تا دوباره مصرف برق در شب‌ها افزایش پیدا کند؟ دلیلش کاهش نور صبح است. اگر ساعت به عقب برنگردد، کارمندان و دانش‌آموزان باید سر صبح در تاریکی به محل کار خودشان بروند؛ چون طلوع آفتاب به زمان شروع کار اداره‌ها و مدارس نزدیک می‌شود، با عقب بردن ساعت، شروع کار جامعه در نور بیشتری صورت می‌گیرد که این موضوع هم باعث افزایش امنیت رفت‌وآمد می‌شود، هم کاهش مصرف انرژی را به‌دنبال دارد و هم نشاط بیشتری به جامعه تزریق می‌کند.

تغییر ساعت از کی روال شد؟

تغییر رسمی ساعت برای استفاده بیشتر از نور خورشید برای اولین‌بار در فرانسه مطرح شد. در سال ۱۷۸۴ بنجامین‌فرانکلین، وزیرمختار آمریکا در فرانسه، مقاله‌ای در یکی از مجلات فرانسه چاپ کرد و از مردم خواست صبح‌ها یک ساعت زودتر از خواب بیدار شوند. او معتقد بود با این کار، مردم می‌توانند روزها از روشنایی خورشید بیشتر استفاده کنند و شب‌ها شمع کمتری مصرف می‌شود؛ البته فرانکلین پیشنهادی برای تغییر ساعت رسمی کشور نداد. این پیشنهاد را برای اولین‌بار در سال ۱۹۰۷ در انگلستان، فردی به نام ویلیام ولت مطرح کرد؛ هرچند که در آن زمان عملی نشد تااینکه بالاخره برای اولین‌بار در سال ۱۹۱۶ در کشور آلمان تغییر ساعت رسمی برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی، عملی شد. در طول جنگ جهانی اول و دوم، برخی دیگر از کشورها هم دست به اقدام مشابهی زدند.

تغییر ساعت زمستانی و تابستانی در ایران تا سال ۵۷ اجرا می‌شد. از سال ۱۳۵۷ به مدت ۱۳ سال این قاعده به فراموشی سپرده شد تا این‌که در سال ۱۳۷۰ مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت گفت با تغییر ساعت می‌توان روزانه در ساعت اوج مصرف برق تا ۱۰۰ مگاوات ساعت، صرفه‌جویی کرد و درنتیجه دولت در مصوبه‌ای اعلام کرد تغییر ساعت تابستانی و زمستانی دوباره اجرا شود.

سال ۱۳۸۴ در دولت محمود احمدی‌نژاد مصوبه تغییر ساعت سال ۷۰ لغو شد تا ساعت‌ها را دیگر جلو و عقب نبرند. استدلال این بود که این کار به کاهش بار ترافیک کمک می‌کند و با نزدیک کردن ساعت ناهار و نماز ادارات، از اتلاف وقت در میانه روز جلوگیری می‌شود. این تصمیم دولت البته خیلی پایدار نماند و سال ۸۶، قانونی در مجلس تصویب شد که دولت را مکلف می‌کرد هرسال دوبار ساعت رسمی کشور را متناسب با وضعیت کره زمین تغییر دهد؛ اول فروردین ساعت را یک ساعت به جلو ببرد و در پایان شهریور آن را یک ساعت به عقب برگرداند.

کشورهای دیگر دنیا چه می‌کنند؟

امروز ۷۷ کشور جهان ساعت رسمی‌شان را در فصل‌های مختلف سال تغییر می‌دهند؛ البته همیشه تغییر ساعت محدود به همین یک ساعت به جلو بردن در آغاز نیمه گرم و یک ساعت به عقب بردن در آغاز نیمه سرد سال نیست. در برخی کشورها ساعت را تنها ۳۰ دقیقه جابه‌جا می‌کنند. بعضی کشورها ساعت را دو ساعت به عقب و جلو می‌برند. در بعضی زمان‌ها هم ساعت تابستانی دو ساعت و ۴۰ دقیقه جلو می‌آید و در زمستان به جای اولش برمی‌گردد. تمام اروپا به غیر از بلاروس و ایسلند، ساعت تابستانی و زمستانی دارند. در میان کشورهای آسیایی، چین تغییر ساعت ندارد. روسیه هم که بین شرق و غربش حدود ۱۱ ساعت اختلاف زمان وجود دارد، از این قاعده پیروی نمی‌کند. دربین کشورهای اطراف ایران نیز تنها سوریه، ترکیه و اردن ساعت‌ها را جابه‌جا می‌کنند.

در آمریکای شمالی، بیشتر ایالت‌ها ساعت تابستانی و زمستانی دارند اما درمورد اینکه هرکدام این ساعت را چه زمانی اعمال کنند، اتفاق نظر وجود ندارد؛ یعنی برخی ایالت‌ها ساعت را در یک روز عقب می‌کشند و برخی در یک روز دیگر. در آمریکای‌جنوبی باتوجه‌به عرض جغرافیایی و نزدیکی‌شان به مدار استوا، طول شب و روز آن‌قدرها تغییر نمی‌کند و برای همین هنوز بیشتر کشورها در این قاره از این قاعده تبعیت نمی‌کنند. در آفریقا هم تنها مراکش، نامیبیا و منطقه صحرای غربی ساعتشان را تغییر می‌دهند. در قاره اقیانوسیه فقط استرالیا ساعت را تغییر می‌دهد؛ البته تغییر ساعت در مناطقی که کار و زندگی مردم، کشاورزی و دامپروری و امثال این‌هاست و با نور خورشید تنظیم می‌شود نه با آنچه ساعت نشان می‌دهد، خیلی طرفدار ندارد. در بسیاری از کشورهای دنیا شهرها یا روستاهایی پیدا می‌شوند که بی‌توجه به عقب و جلو کشیده شدن ساعت رسمی کشور، به زندگی و فعالیتشان ادامه می‌دهند.

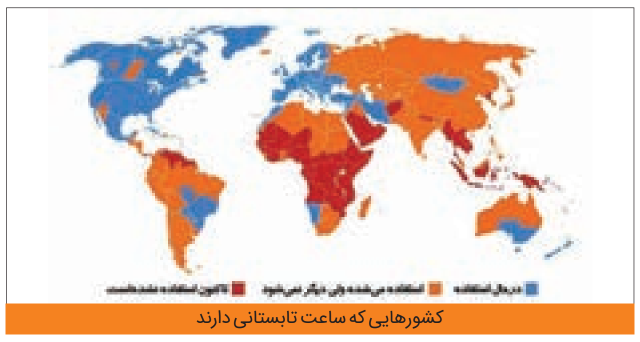
در حال استفاده
استفاده می‌شده ولی دیگر نمی‌شود
تاکنون استفاده نشده است

کشورهایی که ساعت تابستانی دارند

جدول ۲۷۷۳

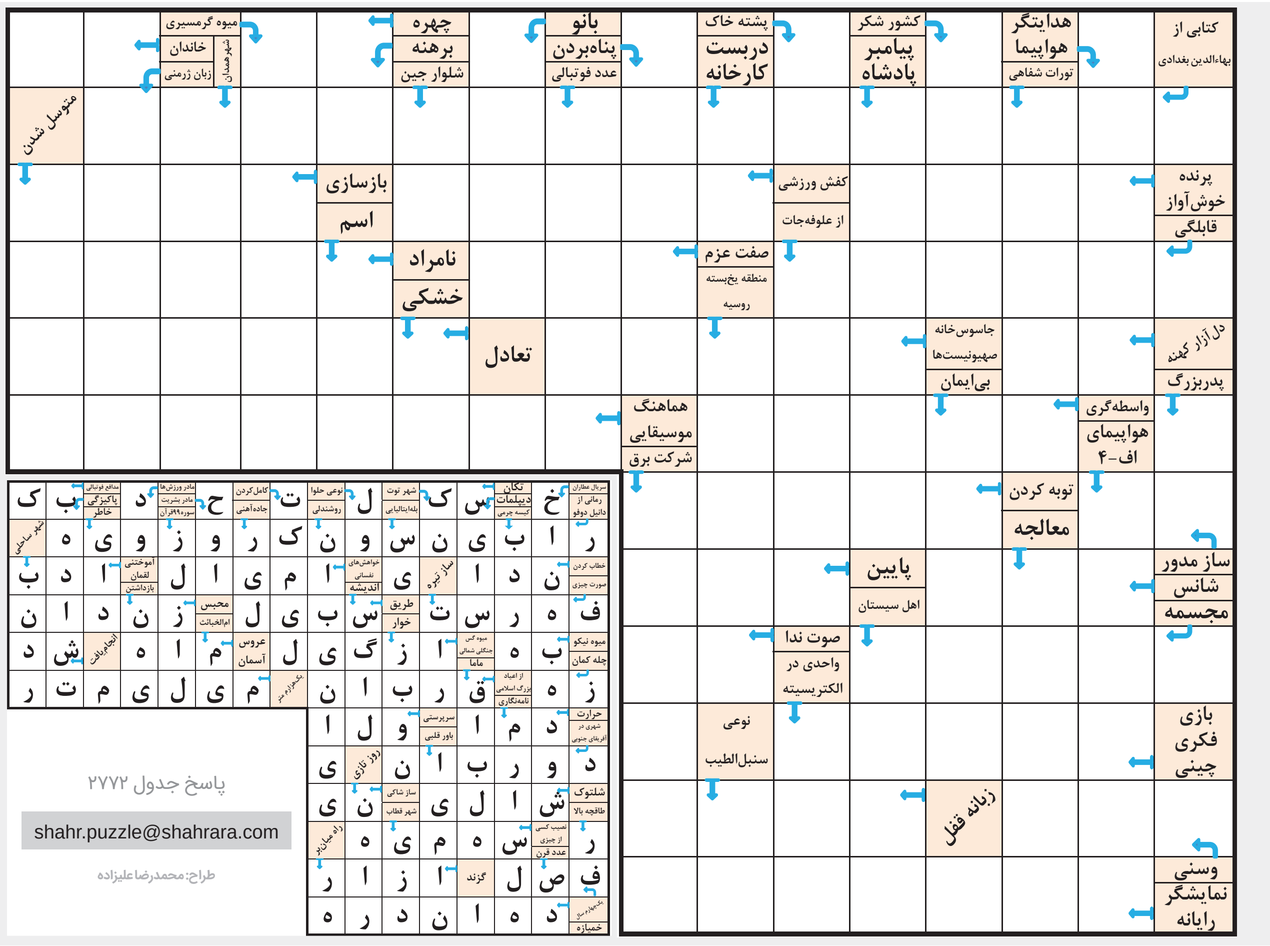
کتابی از بهاءالدین بغدادی
هدایتگر هواپیما
تورات شفاهی
کشور شکر
پیامبر پادشاه
پشته خاک
دربست کارخانه
بانو
پناه‌بردن
عدد فوتبالی
چهره
برهنه
شلوار جین
میوه گرمسیری
خاندان
زبان ژرمنی
شهرهمدان
متوسل شدن
پرنده خوش‌آواز
قابلگی
کفش ورزشی
از علوفه‌جات
بازسازی
اسم
صفت عزم
منطقه یخ‌بسته روسیه
نامراد
خشکی
دل آزار کهنه
پدربزرگ
جاسوس‌خانه صهیونیست‌ها
بی‌ایمان
تعادل
واسطه‌گری
هواپیمای اف-۴
هماهنگ موسیقایی
شرکت برق
توبه کردن
معالجه
ساز مدور
شانس
مجسمه
پایین
اهل سیستان
صوت ندا
واحدی در الکتریسیته
بازی فکری چینی
نوعی سنبل‌الطیب
زبانه قفل
وسنی
نمایشگر رایانه
سریال عطاران
رمانی از دانیل دوفو
تکان
دیپلمات
کیسه چرمی
شهر توت
بله‌ایتالیایی
نوعی حلوا
روشندلی
کامل‌کردن
جاده‌آهنی
مادر ورزش‌ها
مادر بشریت
سوره۹۹قرآن
مدافع فوتبالی
پاکیزگی
خاطر
شهر ساحلی
خطاب کردن
صورت چیزی
ساز نیزه
خواهش‌های نفسانی
اندیشه
آموختنی لقمان
بازداشتن
طریق
خوار
محبس
ام‌الخبائث
میوه نیکو
چله کمان
میوه گس جنگلی شمالی
ماما
عروس آسمان
انجام‌یافتن
از اعیاد بزرگ اسلامی
نامه‌نگاری
یک‌هزارم متر
حرارت
شهری در آفریقای جنوبی
سرپرستی
باور قلبی
روز تازی
شلتوک
طاقچه بالا
ساز شاکی
شهر قطاب
نصیب کسی از چیزی
عدد قرن
راه میان‌بر
گزند
یک‌چهارم سال
خمیازه

پاسخ جدول ۲۷۷۲

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیزاده

حاضرجواب

سامانه ثبت اعتراض به قطع یارانه ها فعال شد.

البته با سابقه ای که ما از شما سراغ داریم، باید یک سامانه «اعتراض به قطع سامانه اعتراض به قطع یارانه» هم فعال بشه.

در ایران ۷۵۰ هزار نفر مبتلا به فراموشی هستند.

یعنی ۷۵۰ هزار تا مدیر و مسئول داریم توی کشور؟

وزیر علوم: پدیده ای به نام فروش صندلی در دانشگاه ها نداریم.

به زودی: توی خوابگاه های دانشجویی هم سوسک نداریم.

بازدید نمایندگان فیفا از گیت ورودی بانوان به ورزشگاه آزادی

تاج به مدیر ورزشگاه: هر وقت بازدیدشون تموم شد و رفتن، برو گیت رو جمع کن!

نماینده ساوجبلاغ: حقوق نمایندگان بین ۵ تا ۸ میلیون تومان است.

وی در پاسخ به سوالی درباره نشان دادن فیش حقوقی گفت: فیش؟ فیش چیه؟ فیش تلویزیون؟ ماهی؟ نمی دونم والا.

کله ونگ

مُشتِبا نخعی‌راد

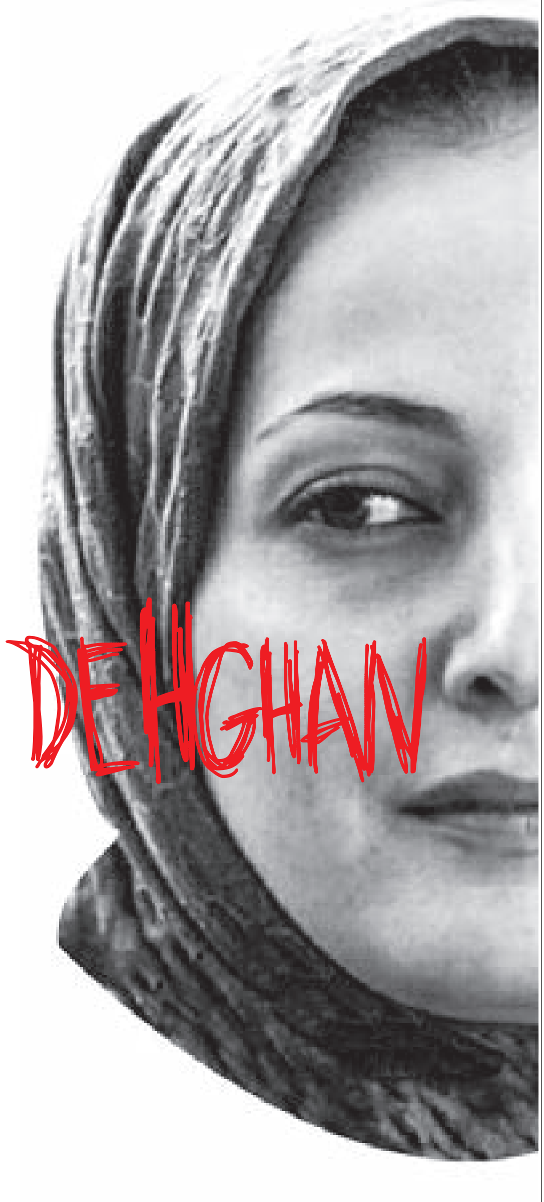

آبجی«دهقان»خِسته رِفته!

یَره نِگا کن چی دنیایی شده. ما یَگ زِمانِی کَل مِنداختِم مِرَفتِم آب حوض تو حولی ره خالی مِکردِم یا پنچَری هیجده‌چرخ مِگِرفتِم و کَک‌مایَم نِمگَزید. حالا مردم دِگه ول دِدَن و دل‌ودماغ نِدرَن کار کُنن. انا، شما همی آبجی‌ما «شقایق دهقان» ره نِگا کُنِن. اَزِش مُپُرسَن «یَره دِری چِکا مُکُنی؟ بِرچی چن وقته دِگه نِمی‌بینُم‌تا؟» اَیَم وَرمِدره مِگه: «مُو از بازیگری خِسته رفتُم. یَگ زِمانی جِوون‌تر بودُم، الان دِگه حال نِدرُم.» واز برعکس، مُو شِنُفته بودُم از خانما نبایس بُپُرسِم چَن سالشا مِره؟ خُلقِشا تَنگ مِشه و دوست دِرَن همه فک کُنِم هنوز هیجده‌سالشانه. ولی وقتی شما خودِتا دِرِن ایجور مِگِن، دِگه مُو چی بُگُم؟

بعد مُپُرسَن بِر چی؟ چی ربطی دِره؟ مِگه: «وقتی جِوون بودُم، مِتِنستُم فشارای بازیگری ره تحمل کُنُم. ولی الان دِگه سِنُم زیاد شده و نِمتِنُم.» آبجی! بین خودما بِشه، فشار که دِگه مث هم یَگ عضو خانواده همه رِفته. از کِله صبح که از خواب ورمِخِزِم، فشار مِیه پتو ره از روما مِکِشه که وَخِز دیر رفت. بعد خیرِندیده جلدی مِیره سر سفره و همه‌چی ره جارو مُکُنه و مُخوره. مُو کَه مُخوام بُرُم بِر همی فِشار یَگ سِجلی بگیرُم و بعدش بُبُرم بُگُم همی یارانه‌اش ره هم وصل کنن! قبول دِرُم پولی نِمره، ولی اَقَلِ کَندِش پول همی نونی که دِره از ما مُبُره که مِشه!

کار نِدرُم، بعدشم دیدُم گفتِن: «مو از سینما گلایه نِدرُم؛ چون همیشه تو تلویزیون کار مِکردُم. ولی لاکردار ای روزا کار کِردَن خَیلی سخت رفته و با کسایی که دِرَن کار مُکُنَن، آبُم تو یَگ جوب نِمِره.» آبجی! بِر چی دِرِن ایجور مُکُنِن؟ شما بایَس بیبینِن دِرَن آب ره تو کدوم جوب مِریزَن، شمایَم همونجه بِرِن. الان بازار خرابه کار گیر نِمیه، نِمِشه هر کی هر جور دِلِش مِخه، آب بیریزه.